

## مدلی برای شناسایی و اولویت‌بندی عوامل موثر بر گزارشگری متهورانه مالیاتی با استفاده از روش تحلیل مولفه‌های اصلی در بازار سرمایه ایران

علی مولائی ایل ذوله

دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب و عضو هیات علمی حسابداری دانشگاه پیام نور  
molaiyali@gmail.com

سید محبوبه جعفری

استادیار حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، نویسنده مسئول  
jafari.mahboobeh@gmail.com

نوروز نوراله زاده

استادیار حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب  
norozn57@gmail.com

رویا دارابی

دانشیار حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب  
royadarabi110@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۳

### چکیده

مالیات به عنوان اصلی‌ترین ابزار کسب درآمد برای دولت‌ها جهت دستیابی به اهداف اقتصادی و اجتماعی مطرح است. از طرفی هزینه‌های مالیاتی، موجب خروج نقدینگی از شرکت‌ها شده و سود سهام را کاهش می‌دهد، لذا مدیران شرکت‌ها در تلاش‌اند مالیات بر درآمد خود را کاهش داده یا به تعویق بیندازند. هدف این پژوهش ارائه مدلی برای شناسایی و اولویت‌بندی عوامل موثر بر گزارشگری متهورانه مالیاتی در بازار سرمایه ایران است. در این پژوهش عوامل موثر بر گزارشگری متهورانه مالیاتی بر اساس مطالعات تجربی، مبانی نظری و با استفاده از روش تحلیل مولفه‌های اصلی (PCA) به چهار شاخص مالی، غیر مالی، حاکمیتی و مدیریتی تقسیم شده است. به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش، به بررسی ۱۲۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۸ پرداخته شد. از آنجایی که متغیر وابسته متغیری مجازی است، برای تخمین مدل از روش‌های آمار همبستگی و رگرسیون لاجیت استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد شاخص مالی رابطه‌ی معناداری با گزارشگری متهورانه مالیاتی ندارد ولی شاخص‌ها غیر مالی، حاکمیتی و مدیریتی دارای رابطه‌ی معناداری با گزارشگری متهورانه مالیاتی هستند. دیگر یافته‌ها بیانگر این است که شاخص‌های حاکمیتی، مدیریتی و غیر مالی به ترتیب بیشترین تاثیر را بر گزارشگری متهورانه مالیاتی دارند. **واژه‌های کلیدی:** گزارشگری متهورانه مالیاتی، تحلیل مولفه‌های اصلی، رگرسیون لاجیت.

## ۱- مقدمه

بر اساس تئوری نمایندگی و با وجود عدم تقارن اطلاعاتی بین مودیان مالیاتی و دولت، شرکت‌ها سعی می‌کنند مالیات کمتری پرداخت کنند از سوی دیگر دولت‌ها با توجه به محدودیت‌های موجود در تلاشند با شناسایی مودیان پر ریسک مطابق قوانین و مقررات مالیاتی، مالیات حداکثری را وصول نمایند (طایفه و همکاران، ۱۳۹۸)، سیاست‌های متهورانه مالیاتی، فرار مالیاتی، مدیریت سود و غیره، ابزارهایی هستند که شرکت‌ها ممکن است برای کاهش مالیات از آنها استفاده کنند (اعتمادی و همکاران، ۱۳۹۵). گزارشگری متهورانه مالیاتی، در واقع نوعی استفاده از خلأهای قانونی در قوانین مالیاتی برای کاهش مالیات است. اما فرار مالیاتی نوعی تخلف قانونی است (هانلوم و هیتزمن<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰). از آنجایی که گزارشگری متهورانه مالیاتی، فعالیتی به ظاهر قانونی است، به نظر می‌رسد که بیشتر از فرار مالیاتی در معرض دید باشد (امیدی پور و پژویان، ۱۳۹۶)، و چون گزارشگری متهورانه مالیاتی در محدوده‌ای معین برای استفاده از مزایای مالیاتی است و به طور عمده قوانین محدودکننده‌ای در زمینه کنترل آن وجود ندارد، به نظر می‌رسد بسیاری از شرکت‌ها درگیر سیاست‌های متهورانه مالیاتی باشند و به همین دلیل تعیین عوامل تأثیرگذار بر سطح گزارشگری متهورانه مالیاتی در شرکت‌ها اهمیت زیادی دارد (خانی و همکاران، ۱۳۹۲). با وجود ظرفیت‌های بالای مالیاتی در ایران، درآمدهای مالیاتی منبع مناسب و قابل اتکایی برای تامین مالی دولت نیست در حالی که با وجود تحریم‌های جهانی لازم است این درآمدها در سطح بالا و به طور مستمر وصول گردند. از طرف دیگر مسأله درآمدهای مالیاتی دولت به دلیل نسبت اندک مالیات به تولید ناخالص داخلی مهم به نظر می‌رسد؛ به طوری که در ایران به طور میانگین در حدود ۷ درصد، در کشورهای در حال توسعه برابر ۱۷ درصد و در کشورهای عضو اتحادیه اروپا تقریباً ۳۴ درصد است (کرمی و شهابی، ۱۳۹۷). این اختلاف اساسی، بیانگر ضرورت انجام پژوهش‌های بیشتر در حوزه حسابداری مالیاتی است.

جنبه نوآوری این پژوهش عبارت است از اینکه با توجه به شرایط حاکم بر بازار سرمایه ایران، بررسی و اولویت‌بندی عوامل موثر بر گزارشگری متهورانه مالیاتی به ندرت واکاوی شده و به گسترش دانش موجود در مورد عوامل اثرگذار بر گزارشگری متهورانه مالیاتی شرکت‌ها در سال‌های آغازین طرح جامع مالیاتی کمک خواهد کرد. علاوه بر این در این پژوهش عوامل موثر بر گزارشگری متهورانه مالیاتی بر اساس روش تحلیل مولفه‌های اصلی (PCA) شاخص‌بندی شده است. در ادامه پس از بیان

جنبه نظری و پیشینه پژوهش به روش پژوهش و درنهایت با ارائه یافته‌ها به بحث و نتیجه‌گیری پرداخته می‌شود.

## ۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

## ۲-۱- مبانی نظری پژوهش

مالیات به عنوان اصلی‌ترین ابزار کسب درآمد برای دولت‌ها جهت دستیابی به اهداف اقتصادی و اجتماعی مطرح است بنابراین دولت‌ها سعی می‌کنند مطابق قوانین و مقررات، مالیات حداکثری را وصول نمایند. از طرفی هزینه‌های مالیاتی، موجب خروج نقدینگی از شرکت‌ها شده و سود سهام را کاهش می‌دهد، لذا مدیران شرکت‌ها در تلاش‌اند مالیات بر درآمد خود را کاهش داده یا به تعویق بیندازند (مولایی و همکاران، ۱۳۹۹). گزارشگری متهورانه مالیاتی (دستکاری رو به پایین سود مشمول مالیات، که ناشی از ابهام و خلأ موجود بین قوانین مالیاتی و استانداردهای حسابداری است و موجب تفاوت بین مالیات ابرازی و تشخیصی می‌شود) موجب کاهش و تاخیر در پرداخت هزینه مالیات شرکت‌ها می‌شود (اعتمادی و همکاران، ۱۳۹۵). صرفه‌جویی در پرداخت مالیات از طریق سیاست‌های متهورانه از طرفی موجب افزایش در سود پرداختی به سهامداران، افزایش بازده، قیمت سهام و در نهایت رونق بازار سهام در بورس اوراق بهادار شده، به همین دلایل همواره مورد توجه مدیران اجرایی، هیات مدیره و سهامداران بوده است (هانلوم و هیتزمن، ۲۰۱۰).

این تضاد منافع بین دولت و مودیان، منجر به توجه روزافزون به مقوله مالیات شده است. برای پاسخ به چنین نیازی، امروزه بسیاری از کارشناسان حرفه‌ای بر این باورند که پیشرفت‌های صورت گرفته در بحث محاسبات (استفاده از روش‌های آماری پیشرفته و اقتصاد سنجی) و استفاده از روش‌های جدید حسابرسی در دسترس همچون استفاده از حسابرسی تصادفی و حسابرسی مبتنی بر ریسک، عواملی موثر در جلوگیری از برنامه‌ریزی مالیاتی و سایر موارد عدم تمکین محسوب می‌شود (برزگری خانقاه و فیض پور، ۱۳۹۲). از این رو محققان این حوزه ارتباط عوامل متعددی را با گزارشگری متهورانه مالیاتی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و به دنبال شناسایی عوامل موثر بر آن بوده‌اند.

همبرینگ و میسون<sup>۲</sup> (۱۹۸۴) معتقدند خصوصیات مدیران ارشد، سبک تصمیم‌گیری آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. یکی از این ویژگی‌های جالب مدیریتی، اطمینان بیش از حد است. اطمینان بیش از حد ویژگی شخصیتی است که می‌تواند به صورت اریب رفتاری و داشتن اعتقادات غیرواقعی (مثبت) در

<sup>۲</sup> - Hambrick & Mason

<sup>۱</sup> - Hanlon & Heitzman

متبهرانه‌تری استفاده می‌نمایند. از سوی دیگر لینگ و همکاران<sup>۷</sup> (۲۰۱۸) بر این باورند، شرکت‌های دارای مدیریت سیاسی در معرض خطر بیشتری برای گزارش‌دهی نادرست مقدار سود قرار دارند، بنابراین در شرکت‌های با مدیریت سیاسی بالاتر، میزان استفاده از اقلام تعهدی بالاتر بوده و مدیریت با استفاده از اختیارات خود و اقلام تعهدی حسابداری اقدام به کاهش و دست‌کاری سود به منظور کاهش مالیات پرداختی می‌نماید تا بتواند میزان پاداش خود را افزایش دهد. به زعم وانگ<sup>۸</sup> (۲۰۱۷) مدیران سیاسی سعی می‌کنند تا تمام اطلاعات را به بازار عرضه نمایند و از این طریق مسئولیت‌پذیری اجتماعی را مورد تاکید قرار دهند. مسئولیت اجتماعی شرکت، باور شرکت در این خصوص است که کلیه فعالیت‌های شرکت از جمله سیاست‌های مربوط به پرداخت مالیات بر تمام ذی‌نفعان از جمله سهام‌داران، کارکنان، جامعه، دولت، مشتریان و سایرین تاثیر می‌گذارد (مگ‌بیم و همکاران<sup>۹</sup>، ۲۰۱۷). به دلیل عدم الزام شرکت‌ها در فعالیت‌های مرتبط با مسئولیت اجتماعی در خصوص مشارکت یا عدم مشارکت آنها در چنین فعالیت‌های دو دیدگاه وجود دارد. دیدگاه اول که مبتنی بر نظریه ذینفعان است و بیان می‌دارد شرکت باید منافع کلیه گروه‌های ذینفع را برآورده نماید. یکی از این گروه‌ها دولت بوده که باید حق خود (مالیات) را به طور کامل از شرکت‌ها وصول نماید، به عبارتی در این دیدگاه تهور مالیاتی وجود ندارد (رضایی و همکاران، ۱۴۰۰). دیدگاه دوم مبتنی بر نظریه نمایندگی بوده لذا بیان می‌دارد مدیران فقط در قبال سهام‌داران و منافع آنها پاسخگو هستند و مدیر می‌تواند برای رسیدن به این هدف دست به تهور مالیاتی بزند (مولایی و همکاران، ۱۳۹۹).

یکی از مشکلات مهم تئوری نمایندگی، عدم تقارن اطلاعاتی است که در محیط‌های غیر شفاف به وجود می‌آید (لئو<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۹). این مشکل در نبود اطلاعات کامل و شفاف، ظاهر شده و وضعیتی را ایجاد می‌کند که در آن دو طرف معامله از همه حالت‌های ممکن بی‌اطلاعند و نمی‌توانند همه نتایج قطعی و شفاف را مورد توجه قرار دهند (برق و همکاران<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۹). در شرکت‌هایی که عدم تقارن اطلاعاتی وجود دارد، مدیران گرایش بیشتری به سمت مدیریت سود، پیدا می‌کنند. از آنجایی که پاداش مدیران بر اساس سود بعد از کسر مالیات تعیین می‌شود این امکان وجود دارد که مدیران از طریق مدیریت سود و هم‌چنین گزارشگری مالیاتی

رابطه با هر یک از جنبه‌های پیشامد در وضعیت بی‌اطمینانی تعریف شود، در این صورت در برآورد میانگین اغراق خواهد شد (ایشیگورو و یامادا<sup>۱</sup>، ۲۰۲۱). تاین و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۸)، معتقدند است، مدیران بیش اعتماد، احتمال و اثر رویدادهای مطلوب بر جریان‌های نقدی شرکت را بیش از حد برآورد می‌کند و احتمال و اثر رویدادهای نامطلوب بر جریان‌های نقدی شرکت را کمتر از حد تخمین می‌زند. لذا به دلیل، سرمایه‌گذاری بیش از حد در دارایی‌های ثابت، هزینه استهلاک بالای دارند که در نهایت منجر به شناسایی سود کمتر و هزینه مالیات کمتری می‌شود. هم‌چنین بیش اعتمادی سبب تخمین بیش از حد بازده خالص ارزش فعلی جریان‌های نقدی ناشی از سرمایه‌گذاری در برنامه‌ریزی مالیاتی می‌شود (عباس زاده و همکاران، ۱۳۹۹). در واقع بیش اعتمادی مدیران، از طریق تخمین بیش از حد صرفه‌جویی مالیاتی در برنامه‌ریزی مالیاتی، تخمین کمتر از حد هزینه‌های تحمیل شده ناشی از سرمایه‌گذاری در برنامه‌ریزی مالیاتی یا ترکیبی از این دو، میزان سرمایه‌گذاری در طرح‌های مالیات گاه را افزایش می‌دهد و به افزایش تهور مالیاتی منجر می‌شود (توماس و براندوم<sup>۳</sup>، ۲۰۱۷). نتایج تحقیقات پیشین (هیرانتی و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۲۱)، کاستر و همکاران<sup>۵</sup> (۲۰۱۶) و کواویانی فرد و همکاران، (۱۳۹۹) نشان می‌دهد از جمله عوامل موثر بر گزارشگری متبهرانه مالیاتی توانایی مدیران است. کواویانی فرد و همکاران (۱۳۹۹) معتقدند مدیران توانمند به خاطر نگرانی از جرایم مالیاتی و جلوگیری از آسیب به شهرت‌شان کمتر به برنامه‌ریزی مالیاتی می‌پردازند. در حالی که کاستر (۲۰۱۶) معتقد است مدیران توانمند بیشتر از سایر مدیران درگیر تهور مالیاتی هستند. آنها از طرفی بهتر می‌توانند تصمیمات تجاری خود را با استراتژی‌های مالیاتی تطبیق دهند. از سوی دیگر در بحث کارایی عملیات به جای کاهش هزینه‌های مثل دستمزد، از صرفه‌جویی مالیاتی استفاده می‌کنند و از این صرفه‌جویی به عنوان یک منبع تامین مالی برای پیاده سازی استراتژی‌های خود بهره‌برند. مدیران توانمند می‌توانند از طریق ارتباطات سیاسی که با دولت دارند برای شرکت ارزش آفرینی کنند (مولایی و همکاران، ۱۳۹۹). لی و وانگ<sup>۶</sup> (۲۰۱۶) معتقدند شرکت‌هایی که دارای مدیریت گسترده سیاسی با دولت هستند، دولت آنها را به ذخایر نقدی بزرگ از طریق تامین مالی ارزان و پرداخت مالیات کمتر قادر خواهد ساخت و مدیران این شرکت‌ها از سیاست‌های مالیاتی

6 - Lee & Wang

7 - Ling et al

8 - Mgbame et al

9 - Liu

10 - Bergh et al

1 - Ishiguro & Yamada

2 - Tian et al

3 - Thomas & Brandon

4 - Herianti et al

5 - Koester et al

متهورانه پاداش بیشتری دریافت نمایند (چن و لین<sup>۱</sup>، ۲۰۱۷). یکی از مواردی که می‌توان موجب کاهش مشکل نمایندگی و بهبود کیفیت گزارشگری مالی شود ترکیب هیات مدیره است. فاما و جنسن<sup>۲</sup> (۱۹۸۳) معتقدند از آنجایی که اعضای هیات مدیره مستقل تحت کنترل و فشار درون سازمانی شرکت قرار نمی‌گیرند و فعالیت‌های مدیریت را با احتمال بیشتری به منظور حمایت از منافع سهام‌داران ارزیابی و کنترل می‌کنند، بنابراین از آنها انتظار می‌رود که در ایفای نقش نظارتی خود موثرتر عمل کنند، بر راهبردهای مهم شرکت به ویژه برنامه‌های اتخاذ شده در زمینه مالیات نظارت مستقیم داشته باشند (کاشانی‌پور و همکاران، ۱۳۹۸). لذا هرچه اعضای هیات مدیره مستقل‌تر باشند مشکلات نمایندگی کمتر و گزارشگری مالی بهبود می‌آید. از طرفی با بالا رفتن استقلال هیات مدیره سطح تهور مالیاتی نیز کاهش می‌دهد (حیدری و همکاران، ۱۳۹۷).

شرکت‌ها همانند هر موجود دیگر، در طول عمر خود مراحل مختلفی را پشت سر می‌گذارند که به چرخه عمر شهرت دارد. شرکت‌ها بر اساس چرخه عمر به سه دسته، در حال رشد، شرکت‌های بالغ و شرکت‌های در حال افول تقسیم می‌شوند. دریک<sup>۳</sup> (۲۰۱۵) در همین راستا بیان می‌دارد میزانی که یک مرحله خاص با سطح تهور مالیاتی مرتبط است به تفاوت نسبی در منابع هر مرحله از چرخه عمر شرکت و انگیزه و فرصت‌های مدیریتی و ساختارهای اقتصادی در هر مرحله بستگی دارد. برزگر و خلیلی (۱۳۹۸) معتقدند شرکت‌ها در مراحل رشد و افول از اجتناب مالیاتی بیشتری نسبت به مرحله بلوغ برخوردارند. از طرفی دیگر شرکت‌های با عمر طولانی‌تر این امکان را داشته‌اند تا در طرح‌های بلندمدت و مالیات کاه، سرمایه‌گذاری نموده و از مزیت‌های مالیاتی آن بهره‌مند شوند. همچنین شرکت‌ها با گذر زمان می‌توانند با تکنیک‌های مختلف مدیریت مالیات آشنا شوند و هزینه مالیات خود را بهتر از سایرین مدیریت نمایند. این موارد ممکن است بر پیچیدگی‌های مالیاتی شرکت بی‌افزاید و در نهایت منجر به آن شود که مالیات ابرازی شرکت با مالیات قطعی آن تفاوت داشته باشد (پور حیدری و سروستانی، ۱۳۹۱). همچنین طولانی بودن چرخه عملیاتی موجب طولانی شدن فاصله زمانی تبدیل ارقام تعهدی به جریان‌های نقدی می‌شود که این امر موجب کاهش دقت پیش‌بینی ارقام تعهدی و کاهش کیفیت گزارشگری مالی می‌شود. لذا با توجه به کاهش کیفیت گزارشگری مالی ممکن است چرخه عملیاتی شرکت برسیاست‌های متهورانه مالیاتی تاثیرگذار باشد (وانگ و

همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۱۴). شرکت‌ها در دوران رشد و افول نیاز بیشتری به وجه نقد دارند و از انعطاف‌پذیری مالی کمتری برخوردارند لذا جهت افزایش انعطاف‌پذیری مالی از اهرم مالی استفاده می‌نمایند، افزایش اهرم مالی می‌تواند انگیزه‌ای برای انتقال مدیریت سود تعهدی به سمت مدیریت سود واقعی باشد (سرانا<sup>۵</sup>، ۲۰۱۶)، از سوی دیگر یکی از اشکال انعطاف‌پذیری نگاه‌داری وجه نقد است و سیاست‌های متهورانه مالیاتی موجب کاهش مالیات و در نهایت کاهش خروج نقدینگی از شرکت می‌شود این احتمال وجود دارد که انعطاف‌پذیری مالی دارای رابطه‌ای مستقیم با گزارشگری مالیاتی متهورانه باشد (ایزدی نیا و همکاران، ۱۳۹۹). کیم و لیمپافیوم<sup>۶</sup> (۱۹۹۸) معتقدند شرکتی که در دوران رشد به سر می‌برد احتمالاً سرمایه‌گذاری‌های بیشتری انجام می‌دهد و به جای استفاده از نیروی کار از ماشین‌آلات بیشتری (سرمایه‌بر) استفاده می‌کند. که این خود به هزینه‌های عملیاتی بیشتر منجر شده و موجب کاهش در پرداخت مالیات می‌گردد. قوانین مالیاتی کشور به نحوی است که برخی از صنایع قابلیت و توانایی بیشتری برای مدیریت مالیات دارند. به عنوان مثال در صنعتی که امکان تولید محصولات صادراتی یا کشاورزی وجود دارد، شرکت‌ها این قابلیت را دارند که از معافیت مالیاتی بیشتری برخوردار شوند. زیرا بر طبق مواد شماره ۸۱ و ۱۴۱ قانون مالیات‌های مستقیم، درآمدهای حاصل از فعالیت‌های کشاورزی و همچنین درآمدهای حاصل از صادرات محصولات تمام شده صنعتی و کشاورزی از مالیات، معافیت می‌باشند (پورحیدری و سروستانی، ۱۳۹۱).

یکی از استراتژی‌های قانونی که بر تصمیمات مالیاتی اثر می‌گذارد، استفاده از خدمات مالیاتی خارجی نظیر استفاده از حسابرسی مالیاتی و خدمات مشاوره‌ای است. در صورت ارائه این خدمات توسط حسابرسان، هزینه مالیات شرکت‌ها به طور صحیح‌تری ارائه می‌شود. قوانین مالیاتی نیز به مؤدیان اجازه داده از این خدمات بهره‌مند شوند. در ایران نیز به موجب ماده ۲۷۲ قانون مالیات‌های مستقیم، اداره امور مالیاتی موظف است گزارش حسابرسی مالیاتی را بدون رسیدگی قبول و مطابق مقررات برگ تشخیص مالیات صادر نماید، به عبارتی دیگر شرکت‌ها می‌توانند با استفاده از خدمات حسابرسان مالیاتی به نحوی دست به مدیریت مالیات بزنند (طایفه و همکاران، ۱۳۹۸). با توجه به آنکه مدیریت مالیات در نهایت منجر به آن می‌شود که سود خالص شرکت افزایش یابد و جریان‌های نقدی خروجی از شرکت از بابت مالیات کاهش یابد، می‌توان انتظار داشت که شرکت‌های با

<sup>4</sup> - Wang et al

<sup>5</sup> - Seraina

<sup>6</sup> - Kim & Limpaphayom

<sup>1</sup> - Chen & Lee

<sup>2</sup> - Fama & Jensen

<sup>3</sup> - Drake

گرفته‌اند، تبنی موجود را تثبیت کرده و به شرکت‌ها کمک می‌کند تا مزایای خود را در هنگام مواجهه با شوک‌های سیاسی خارجی حفظ کنند.

لی و یون<sup>۴</sup> (۲۰۲۰) به بررسی رابطه توانایی مدیران با برنامه‌ریزی مالیاتی (تهاتر هزینه‌های مالیاتی با غیر مالیاتی) پرداختند. یافته‌ها نشان داد توانایی مدیران با هزینه‌های مالیاتی رابطه‌ی مثبت ولی با هزینه‌های غیر مالیاتی و تهاتر هزینه‌های مالیاتی و غیر مالیاتی رابطه‌ی منفی دارد. همچنین مدیران باید برای بهبود ارزش شرکت، تهاتر بین هزینه‌های مالیاتی و غیر مالیاتی را در نظر بگیرد، زیرا توانایی مدیران توسط گزارش‌های مالیاتی و مالی به طور همزمان منعکس می‌شود.

اسوادی و همکاران<sup>۵</sup> (۲۰۱۹) به بررسی رابطه ارتباطات سیاسی با تهور مالیاتی پرداختند. نتایج نشان داد شرکت‌های دولتی که دارای ارتباطات سیاسی هستند به دلیل شفاف‌سازی و پاسخگویی به مردم، تمایل به تمکین مالیاتی دارند.

رانیا و همکاران (۲۰۱۸) دریافتند ویژگی‌های شرکت شامل سودآوری، اهرم مالی و اندازه شرکت تأثیر منفی و معنادار بر اجتناب مالیاتی دارند. همچنین نتایج نشان داد که مدیریت سود اثرات سودآوری و اهرم مالی بر اجتناب مالیاتی را کاهش می‌دهد، ولی مدیریت سود نمی‌تواند اثر اندازه شرکت بر اجتناب مالیاتی را تعدیل کند.

تاین و همکاران (۲۰۱۸) به بررسی رابطه بیش اعتمادی مدیران با اجتناب مالیاتی شرکت‌ها پرداختند. نتایج نشان داد مدیران بیش اعتماد، به سبب افزایش سرمایه‌گذاری در دارایی‌های ثابت، دارای هزینه‌ی استهلاک و هزینه‌ی عملیاتی بالاتری خواهند بود، هزینه‌های که موجب کاهش سود و در نهایت اجتناب از پرداخت مالیات می‌شود.

گلزار و همکاران<sup>۶</sup> (۲۰۱۸) به بررسی تأثیر مسئولیت اجتماعی شرکت بر اجتناب مالیاتی در شرکت‌های چینی پرداختند. یافته‌های آن‌ها نشان داد با افزایش مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها اقدامات مربوط به اجتناب مالیاتی کمتر می‌شود. همچنین آسیان و یوچی<sup>۷</sup> (۲۰۱۸) به بررسی رابطه مسئولیت اجتماعی شرکت با مالیات پرداختند. نتایج نشان داد با افزایش در ابعاد مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، مالیات پرداختی توسط آنها نیز افزایش می‌یابد.

پارک و همکاران<sup>۸</sup> (۲۰۱۷) دریافتند کارایی مدیریتی و ارزش شرکت با اجتناب مالیاتی رابطه‌ی منفی و معناداری دارند.

مالکیت نهادی بیشتر، بیش از سایرین به مدیریت مالیات روی آورند. همان‌گونه که عنوان شد، تمایل بیشتر به مدیریت مالیات ممکن است در نهایت منجر به آن شود که اختلاف مالیات ابرازی و قطعی شرکت‌ها بیشتر شود (مظفر و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۷). همچنین، شرکت‌هایی که سودآوری بالایی دارند، تمایل به انجام اقدامات اجتناب مالیاتی به منظور کاهش بدهی‌های مالیاتی خود خواهند داشت. علاوه بر آن فرضیه هزینه‌های سیاسی بیان می‌کند که شرکت‌ها مدیریت سود را با کاهش درآمدها به منظور حداقل رساندن مالیات پرداختی انجام خواهند داد. این شیوه مدیریت درآمد توسط مدیریت شرکت انجام می‌شود (رانیا و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۸). بر اساس فرضیه هزینه‌های سیاسی شرکت‌های بزرگ‌تر بیشتر تحت نظارت دولت قرار می‌گیرند و بیشتر در معرض مواجهه با هزینه‌های سیاسی می‌باشند؛ در نتیجه انتظار می‌رود این شرکت‌ها گرایش کمتری به اجتناب مالیاتی داشته باشند. در مقابل، فرضیه قدرت سیاسی بیان می‌دارد، شرکت‌های بزرگ‌تر از قدرت سیاسی و اقتصادی ممتازی نسبت به شرکت‌های کوچک‌تر بهره می‌برند. این شرکت‌ها با استفاده از قدرت اقتصادی، لابیگری‌هایی که می‌نمایند درصد اثرگذاری بر قوانین مالیاتی می‌باشند و مالیات کمتری پرداخت می‌نمایند (تسای و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۲۱).

## ۲-۲- پیشینه تجربی پژوهش

ایشیگورو و یامادا (۲۰۲۱) به بررسی رابطه بیش اعتمادی مدیران و با تهور مالیاتی در شرکت‌های ژاپنی پرداختند. نتایج آنها نشان داد بیش اعتمادی مدیران منجر به افزایش در تهور مالیاتی شده و این رابطه در شرکت‌های مادر شدیدتر است.

هیرانتی و همکاران (۲۰۲۱) به بررسی تأثیر توانایی مدیران بر عملکرد آتی بانک‌ها با نقش میانجی‌گری تفاوت مالیات ابرازی با تشخیصی پرداختند. نتایج نشان داد که توانایی مدیریت بر عملکرد آینده بانکی تأثیر مثبت و معناداری دارد در حالی که تفاوت مالیات ابرازی با تشخیصی می‌تواند تأثیر توانایی مدیریتی را بر عملکرد آتی بانک کاهش دهد.

تسای و همکاران (۲۰۲۱) به بررسی رابطه تبنی ارتباطات سیاسی با اجتناب مالیاتی در چین پرداختند. آنها دریافتند که گردش مالی سیاسی منجر به بی‌ثباتی تبنی موجود و در نتیجه کاهش اجتناب از مالیات می‌شود. همچنین ارتباطات سیاسی شرکت‌های که تحت پیوندهای سیاسی و مالکیت شرکت‌ها قرار

<sup>5</sup> - Aswadi et al

<sup>6</sup> - Gulzar

<sup>7</sup> - Asian & Uche

<sup>8</sup> - Park et al

<sup>1</sup> - Mozafar et al

<sup>2</sup> - Rania et al

<sup>3</sup> - Tsai et al

<sup>4</sup> - Lee and Yoon

تهیه صورت‌های مالی شرکت‌ها مهم‌ترین عوامل مؤثر بر پدیده فرار مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی می‌باشند. شرکت‌ها با کاهش درآمدها و افزایش هزینه‌هایشان از طریق دست‌کاری و حساب‌سازی، سودهایشان را کمتر نشان می‌دهند و از این طریق مالیات کمتری می‌پردازند.

احمدی لویه و همکاران (۱۴۰۰) به بررسی رابطه حق انتخاب حسابرسان و اجتناب مالیاتی بر اساس نظریه انتخاب گلاسر پرداختند. نتایج نشان داد، به دلیل انتخاب مجدد حسابرسان در حسابرسی‌های بعدی (جلب رضایت صاحبکاران) اجتناب مالیاتی برای شرکت‌های دارای حق انتخاب حسابرسان بیشتر از شرکت‌های فاقد حق انتخاب حسابرسان است.

رضایی و همکاران (۱۴۰۰) به بررسی نقش تعدیلی مالکیت خانوادگی بر رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اجتناب مالیاتی پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد مطابق با تئوری ذی‌نفعان بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اجتناب مالیاتی رابطه منفی معنادار وجود دارد. همچنین، نتایج نشان دادند مالکیت خانوادگی، مطابق با نظریه ثروت اجتماعی - عاطفی و همسویی منافع بین مدیران و مالکان و مسائل نمایندگی کمتر در آن، رابطه منفی بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها را تعدیل (تشدید) می‌کند.

عباس زاده و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی و بیش‌اطمینانی مدیریت بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها در مراحل چرخه عمر پرداختند. نتایج نشان داد بین مالکیت نهادی از مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و بیش‌اطمینانی مدیریت بر اجتناب مالیاتی تفاوت معناداری در مراحل رشد، بلوغ و افول وجود دارد که این ارتباط بین استقلال هیئت‌مدیره از مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی با توجه به آزمون آماری پترونوستر یافت نشد.

پارسا و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی نقش تأثیر تحریم‌های اقتصادی و ارتباطات سیاسی بر درآمدها و شکاف مالیاتی پرداختند. یافته‌های آنها نشان داد تحریم‌های اقتصادی باعث افزایش شکاف مالیاتی و کاهش درآمدهای مالیاتی می‌شوند. همچنین ارتباطات سیاسی نیز باعث افزایش شکاف مالیاتی و کاهش درآمدهای مالیاتی می‌شوند. در شرایط تحریم اقتصادی، شرکت‌ها رو به اقتصاد پنهان و اقتصاد زیرزمینی می‌آورند تا از این طریق بتوانند از پرداخت مالیات فرار کرده و وجوه نقد را در شرکت نگه دارند.

بعلاوه، کارایی بالاتر مدیران منجر به کاهش رابطه منفی بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت می‌شوند.

مظفر و همکاران (۲۰۱۷) به بررسی رابطه مالکیت نهادی با اجتناب مالیاتی شرکت‌ها پرداختند. نتایج نشان داد بین مالکیت نهادی با اجتناب مالیاتی شرکت‌ها رابطه‌ای معنادار و مستقیم وجود دارد و به طور کلی افزایش در مالکیت نهادی موجب افزایش در اجتناب مالیاتی در شرکت‌ها می‌شود.

کیم و ژانگ<sup>۱</sup> (۲۰۱۶) به تحقیقی با عنوان ارتباطات سیاسی و سیاست مالیاتی متهورانه پرداختند. نتایج تحقیق آنها نشان داد شرکت‌های با ارتباطات سیاسی بالاتر از سیاست‌های مالیاتی متهورانه‌تری استفاده می‌نمایند و میزان اجتناب مالیاتی بالاتری دارند.

آرمسترانگ و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۶) در تحقیقی به تبیین مشوق‌های مؤثر بر برنامه‌ریزی مالیاتی پرداختند. آنها نشان دادند بین طرح‌های تشویقی پاداش مدیران مالیاتی با نرخ مؤثر مالیاتی محاسبه شده بر اساس استانداردهای حسابداری رابطه‌ای منفی و معنادار وجود دارد، اما بین طرح‌های مذکور با سایر معیارهای استفاده شده ارتباطی ضعیف وجود دارد.

کوستر و همکاران (۲۰۱۶) دریافتند مدیران توانمند به دلیل درک و شناخت زیادی که از محیط عملکردی شرکت‌ها دارند، می‌توانند تصمیمات تجاری را با استراتژی‌های مالیاتی همسو کرده و فرصت‌های برنامه‌ریزی مالیاتی مؤثر را شناسایی نمایند.

مالیدا و انوار<sup>۳</sup> (۲۰۱۵) دریافتند بین استقلال هیئت مدیره و مدیریت مالیاتی رابطه منفی و معناداری وجود دارد و بین اندازه هیئت مدیره با مدیریت مالیاتی رابطه مثبت مشاهده شد. همچنین بین معیارهای حاکمیت شرکتی و مدیریت سود رابطه منفی وجود دارد و معیارهای حاکمیت شرکتی و مدیریت سود تأثیر قابل توجهی بر مدیریت مالیات دارند.

مک‌گوایر و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۱۲) دریافتند اگر مؤسسه‌های حسابرسی، متخصص مالیاتی باشند، مشتریانی که خدمات مالیاتی را از این مؤسسه‌ها دریافت می‌کنند، بیشتر درگیر اجتناب مالیاتی می‌شوند. علاوه بر این شرکت‌هایی که مؤسسه‌های حسابرسی آنها متخصص کلی صنعت‌اند، سطح اجتناب مالیاتی بیشتری نسبت به سایر شرکت‌ها دارند.

بلوری و همکاران (۱۴۰۰) به بررسی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر پدیده فرار مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی پرداختند. نتایج نشان داد، حساب‌سازی، دست‌کاری و تقلب در ثبت اطلاعات و

<sup>3</sup> - Mulyadi & Anwar

<sup>4</sup> - McGuire et al

<sup>1</sup> - Kim and Jung

<sup>2</sup> - Armstrong et al

از مالیات می‌باشد. هم‌چنین انگیزه پاداش هیئت مدیره نیز تأثیر مثبت معناداری بر اجتناب از مالیات دارد.

حیدری و همکاران (۱۳۹۷) به بررسی نقش تعدیل‌گر استقلال هیئت مدیره بر رابطه بین ساختار مالکیت با شکاف مالیاتی پرداختند. یافته‌های آنها نشان داد بین مالکیت خانوادگی و شکاف مالیاتی رابطه منفی و معنادار و بین مالکیت شرکتی و شکاف مالیاتی رابطه مثبت و معنادار برقرار است و استقلال هیئت مدیره نقش تعدیل‌گر بر این روابط را ندارد.

ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۶) به واکاوی کیفیت گزارشگری مالی و اجتناب مالیاتی در پرتو مالکیت دولتی و ارتباطات سیاسی پرداختند. نتایج نشان داد که مالکیت دولتی اثر معناداری بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها ندارد، اما ارتباطات سیاسی اثر مثبت و معناداری بر اجتناب مالیاتی دارد.

مشایخ و محمودیان (۱۳۹۶) به بررسی تأثیر پاداش هیئت مدیره و مدیر عامل، اصول حاکمیت شرکتی و ویژگی‌های شرکت بر روی مدیریت مالیاتی پرداختند. نتایج نشان داد افزایش پاداش و حاکمیت شرکتی مناسب‌تر سبب کاهش نرخ مؤثر مالیاتی و مدیریت مالیاتی مناسب‌تر می‌گردد. پاداش هیچ‌گونه رابطه معناداری با نرخ مؤثر مالیاتی نقدی و تغییر در نرخ ذخیره مالیات ندارد.

دستگیر و طابوسیان (۱۳۹۶) به بررسی تأثیر ویژگی‌های نظام راهبری شرکتی بر مدیریت سود و مدیریت مالیات پرداختند. نتایج نشان داد هنگامی که هیات مدیره مستقل و از نسبت بالایی از اعضای غیرموظف تشکیل شده باشد، فرار مالیاتی شرکت‌ها کاهش می‌یابد و در نتیجه مدیریت مالیاتی نیز کم‌تر می‌شود.

مشایخی و علی پناه (۱۳۹۴) به تحقیقی با عنوان راهبری شرکتی بر رابطه بین اجتناب از مالیات و ارزش شرکت پرداختند. نتایج تحقیق حاکی از وجود رابطه‌ی مثبت یا به بیانی دیگر تأیید نظریه ارزش آفرینی در رابطه‌ی بین فعالیت‌های اجتناب از مالیات و ارزش شرکت است. نتایج نشان می‌دهد که با بهبود کیفیت ساختار راهبری شرکتی، تأثیر مثبت فعالیت‌های اجتناب از مالیات بر ارزش شرکت بیشتر می‌شود.

### ۳- روش‌شناسی پژوهش

#### ۳-۱- روش گردآوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل

در این پژوهش، ابتدا با مطالعه تحقیقات پیشین و نظر خبرگان عوامل مؤثر بر گزارشگری متهورانه مالیاتی شناسایی گردیده، در ادامه پس از جمع‌آوری و محاسبه متغیرها جهت ایجاد قابلیت مقایسه بیشتر آنها در سطح شرکت‌های مختلف، کاهش نوسان

کوابانی‌فرد و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی تأثیر مؤلفه‌های قدرت مدیرعامل بر سیاست‌های کاهش مالیات پرداختند. نتایج نشان داد مدیران عامل قدرتمند از طریق مالکیت سهام، تخصص، تجربه و استقلال بیشتر و افق‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت، مدیریت مالیات کمتری انجام می‌دهند؛ این به خاطر نگرانی از جرایم مالیاتی، جلوگیری از آسیب به شهرت‌شان و هم‌چنین به دلیل جلوگیری از افزایش هزینه‌های معاملات برای مدیریت مالیات و هزینه‌های غیرمالیاتی است.

مولایی ایل‌ذوله و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی رابطه مسئولیت اجتماعی شرکت و پاداش مدیران با گزارشگری متهورانه مالیاتی پرداختند. نتایج آنها نشان داد، بین مسئولیت اجتماعی شرکت با گزارشگری متهورانه مالیاتی رابطه‌ی منفی و معناداری، وجود دارد ولی پاداش مدیران، دارای رابطه‌ی مثبت و معناداری، است.

برزگر و خلیلی (۱۳۹۸) به بررسی رابطه بین چرخه عمر شرکت و اجتناب مالیاتی با رویکرد مقایسه‌ای صنایع پرداختند. یافته‌های آنها نشان داد مرحله رشد و مرحله افول با اجتناب مالیاتی رابطه مثبت و معنادار و مرحله بلوغ رابطه منفی و معنادار وجود دارد. هم‌چنین بر اساس نتایج پژوهش رابطه اجتناب مالیاتی با مرحله رشد و بلوغ و افول در خصوص شرکت‌های فعال در صنایع با سطح تکنولوژی مختلف، متفاوت است.

منصورفر و همکاران (۱۳۹۷) به بررسی رابطه بین مالیات جسورانه و اهرم مالی پرداختند. نتایج تحقیق بیانگر تأثیر نرخ مؤثر مالیاتی کل بر اهرم مالی، وابسته به سیاست مالیاتی جسورانه است و تأثیر منفی و معناداری دارد. ولی سیاست مالیاتی جسورانه بر رابطه بین نرخ مؤثر مالیاتی کل و اهرم مالی تأثیرگذار نیست.

آقایی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی تأثیر توانایی مدیریتی بر اجتناب از مالیات پرداختند. نتایج آنها نشان داد مدیران تواناتر، بیشتر درگیر فعالیت‌های اجتناب مالیاتی می‌شوند. از طرفی، مدیران شرکت‌هایی که عملکرد بهتری دارند کمتر درگیر فعالیت‌های اجتناب مالیاتی می‌شوند.

عسگری و عظیمی (۱۳۹۷) دریافتند هرچه میزان کیفیت حاکمیت شرکتی بیشتر باشد اجتناب مالیاتی کمتری صورت می‌گیرد. هم‌چنین، نتایج این پژوهش نشان داد هر چه میزان پاداش هیئت مدیره بیشتر باشد انگیزه مدیران برای کاهش و فرار از پرداخت مالیات کاهش می‌یابد.

خواجوی و همکاران (۱۳۹۷) به بررسی نقش و انگیزه هیئت مدیره در اجتناب از پرداخت مالیات شرکت پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که افشای وضعیت نامطمئن مالیاتی توسط هیئت مدیره به منزله احساس خطر مالیاتی و در نتیجه اجتناب

#### ۴- یافته‌های پژوهش

##### ۴-۱- آمار توصیفی داده‌ها و متغیرهای تحقیق

برای متغیرهای کمی از شاخص‌های میانگین، میانه، انحراف معیار، کمینه و بیشینه و برای متغیرهای کیفی (دو وجهی و چند وجهی) از مد و درصد فراوانی استفاده شده است. جدول (۱) شاخص‌های آماری در مورد متغیرهای تحقیق را نشان می‌دهد. همان‌طور که نشان داده شده است، میانگین مشاهدات و میانه آنها اختلاف اندکی دارند. نزدیک بودن مقادیر میانگین و میانه مشخص می‌کند که داده‌ها از توزیع نرمال برخوردارند. هم‌چنین انحراف معیار متغیرهای استفاده شده صفر نیست لذا می‌توان متغیرهای مورد نظر را در الگو وارد کرد.

در جدول (۱) برخی از داده‌های مربوط به متغیرها به صورت درصد یا نسبت نبوده (SPREAD, FCF, OPPORTUNITY)، لذا جهت ایجاد قابلیت مقایسه بیشتر متغیرها در سطح شرکت‌های مختلف، کاهش نوسان توزیع داده‌ها و کاهش ناهمسانی واریانس خطاهای مدل رگرسیونی، آنها را همگن یا هم‌مقواره نموده تا به صورت درصد یا نسبت درآیند. برخی از متغیرها (OL, BTD)، هم‌مقارن هستند. BTD مربوط به گزارشگری متهورانه مالیاتی است که در آن کد ۱ بیانگر گزارشگری متهورانه مالیاتی و کد صفر بیانگر عدم گزارشگری متهورانه مالیاتی است، از ۱۲۱۰ مورد ۵۰۸ مورد دارای گزارشگری متهورانه مالیاتی هستند. CLC مربوط به چرخه عمر شرکت است که در آن کد ۱ بیانگر دوران افول، کد ۲ بیانگر دوران رشد و کد ۳ بیانگر دوران بلوغ است، همان‌طور که مشاهده می‌شود از ۱۲۱۰ مورد ۸۹۶ مورد دارای کد ۳ یعنی دوران بلوغ هستند. میانگین بدست آمده برای اهرم مالی ۶۴ درصد است. که نشان می‌دهد ۶۴ درصد از دارایی‌های شرکت‌های نمونه آماری از طریق بدهی تامین شده است. میانگین نرخ بازده دارایی‌ها ۱۲ درصد است که نشان می‌دهد شرکت‌های مورد بررسی به ازای هر ریال سرمایه‌گذاری معادل ۱۲ درصد ریال، بازده کسب کرده‌اند.

توزیع داده‌ها و کاهش ناهمسانی واریانس خطاهای مدل رگرسیونی، آنها را همگن یا هم‌مقواره نموده تا به صورت درصد یا نسبت درآیند. از آنجایی‌که متغیرهای مستقل در این پژوهش ۲۲ متغیر است، بکارگیری هم‌زمان کلیه متغیرها در مدل رگرسیونی چند متغیره موجب کاهش درجه آزادی، مشکل هم‌خطی و در نهایت کاهش دقت و تبیین مدل می‌شود. برای حل این مشکل ابتدا از روش تجزیه مؤلفه‌های اصلی<sup>۱</sup> (PCA)، متغیرهای مستقلی که دارای همبستگی و هم‌خطی بوده تبدیل به یک مؤلفه نموده، سپس آنها را با توجه ماهیت‌شان نام‌گذاری نموده و فرضیه‌ها بر اساس مؤلفه‌های اصلی شکل گرفته، در نهایت مؤلفه‌ها را در غالب مدل رگرسیونی چند متغیره مورد بررسی قرار داده است. در این پژوهش متغیر وابسته متغیری مجاز است، لذا در چنین مواقعی، مدل به روش حداقل مربعات معمولی (OLS) و مدل‌های خطی امکان پذیر نیست. بنابراین باید از مدل رگرسیون لاجستیک (لاجیت) استفاده شود.

##### ۲-۳- جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این تحقیق را کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۸ تشکیل می‌دهد. روش نمونه‌گیری در این تحقیق، روش حذفی سیستماتیک می‌باشد و شرکت‌های که دارای شرایط زیر نبوده‌اند، از نمونه آماری کنار گذاشته می‌شوند:

- ۱) شرکت‌های که تا پایان سال ۱۳۸۹ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.
- ۲) در زمره شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی به دلیل متفاوت بودن ماهیت فعالیت آنها قرار نگرفته باشند.
- ۳) سال مالی آنها منتهی به ۲۹ اسفند باشد و در دوره مذکور تغییر سال مالی نداده باشند.
- ۴) در تمامی سال‌های مورد بررسی در چهارماهه پایان سال سهام آنها حداقل یک بار مورد معامله قرار گرفته باشد تا بتوان قیمت بازار هر سهم را در پایان سال به دست آورد.
- ۵) اطلاعات لازم در خصوص انجام این تحقیق در مورد آنها وجود داشته باشد.

با توجه به شرایط و محدودیت‌های فوق، از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، در مجموع ۱۲۱ شرکت انتخاب شد.

<sup>۱</sup> - Principal Component Analysis



جدول (۱) - شاخص‌های توصیفی متغیرهای کمی و کیفی پژوهش

متغیرهای کمی اولیه						
متغیر	تعداد (سال - شرکت)	میانگین	میان	ماکزیمم	مینیمم	انحراف معیار
FCF	۱۲۱۰	-۰/۰۰۵	-۰/۰۰۰	۰/۰۰۲	-۰/۰۵۵	۰/۰۱۳
SPREAD	۱۲۱۰	۰/۰۵۰	۰/۰۴۴	۰/۱۱۲	۰/۰۱۹	۰/۰۲۵
CAIN	۱۲۱۰	۰/۲۲۶	۰/۱۹۱	۰/۵۷۵	۰/۰۴۵	۰/۱۵۰
OPPORTUNITY	۱۲۱۰	۰/۰۳۴	۰/۰۳۰	۰/۰۶۵	۰/۰۲۰	۰/۰۱۲
OPCY	۱۲۱۰	-۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۳	-۰/۰۱۹	۰/۰۰۴
SIZE	۱۲۱۰	۰/۰۳۸	۰/۰۳۷	۰/۰۴۷	۰/۰۳۲	۰/۰۰۴
LEV	۱۲۱۰	۰/۶۴۳	۰/۶۴۷	۱/۰۱۵	۰/۲۹۴	۰/۱۹۲
ROA	۱۲۱۰	۰/۱۲۲	۰/۱۰۲	۰/۴۳۵	-۰/۱۰۹	۰/۱۴۱
MB	۱۲۱۰	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۷	-۰/۰۰۱	۰/۰۱۲
CSR	۱۲۱۰	۰/۰۳۴	۰/۰۲۶	۰/۰۷۴	۰/۰۱۶	۰/۰۱۵
LIFE	۱۲۱۰	۰/۰۳۲	۰/۰۲۵	۰/۰۷۴	۰/۰۰۹	۰/۰۱۹
BCOMP	۱۲۱۰	۰/۶۸۲	۰/۶۰۰	۱/۰۰۰	۰/۴۰۰	۰/۱۷۲
IS	۱۲۱۰	۰/۰۳۴	۰/۰۰۰	۰/۲۷۷	۰/۰۰۰	۰/۰۷۲
EM	۱۲۱۰	۰/۰۴۳	۰/۰۴۷	۰/۴۳۴	-۰/۴۴۱	۰/۲۳۰
CV	۱۲۱۰	۰/۰۳۴	۰/۰۳۱	۰/۰۶۷	۰/۰۶۷	۰/۰۱۲
OVERCON	۱۲۱۰	۰/۰۰۲	-۰/۰۱۶	۰/۴۲۰	-۰/۲۸۲	۰/۱۶۹
MEFFICIENCY	۱۲۱۰	۰/۸۳۶	۰/۸۵۴	۱/۰۰۰	۰/۵۶۹	۰/۱۳۳
متغیرهای کیفی (مجازی) دو وجهی						
متغیر	فراوانی کد ۱	فراوانی کد ۰	درصد فراوانی کد ۱	درصد فراوانی کد ۰		
BTD	۵۰۸	۷۰۲	۰/۴۲	۰/۵۸		
OL	۱۹۳	۱۱۷	۰/۱۶	۰/۸۴		
PCON	۶۷۸	۵۳۲	۰/۵۶	۰/۴۴		
INDUSTRY	۱۳۳	۱۰۷۷	۰/۱۱	۰/۸۹		
TAXA	۹۷	۱۱۱۳	۰/۰۸	۰/۹۲		
متغیرهای کیفی (مجازی) سه وجهی						
متغیر	فراوانی کد ۱	فراوانی کد ۲	فراوانی کد ۳	درصد فراوانی کد ۱	درصد فراوانی کد ۲	درصد فراوانی کد ۳
CLC	۱۴۵	۱۶۹	۸۹۶	۰/۱۲	۰/۱۴	۰/۷۴
معرفی متغیرها						
FCF: انعطاف پذیری مالی؛ SPREAD: عدم تقارن اطلاعاتی؛ CAIN: سرمایه‌بر بودن شرکت؛ OPPORTUNITY: فرصت رشد؛ OPCY: چرخه عملیاتی شرکت؛ SIZE: اندازه شرکت؛ LEV: اهرم مالی؛ ROA: نرخ بازده دارایی‌ها؛ MB: نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری؛ CSR: مسئولیت اجتماعی شرکت؛ LIFE: عمر شرکت؛ BCOMP: ترکیب هیات مدیره؛ IS: مالکیت نهادی؛ EM: مدیریت سود؛ CV: پاداش مدیران؛ OVERCON: بیش اعتمادی مدیران؛ MEFFICIENCY: کارایی مدیران؛ BTD: گزارشگری متهورانه مالیاتی؛ OL: اهرم عملیاتی؛ PCON: ارتباطات سیاسی مدیران؛ INDUSTRY: نوع صنعت؛ TAXA: حسابرسی مالیاتی						

مأخذ: یافته‌های پژوهشگر

#### ۴-۲- آمار استنباطی

##### ۴-۲-۱- آزمون کفایت اندازه نمونه

جهت حصول اطمینان از این که اعضای گروه، همبستگی کافی برای انجام تحلیل‌های مؤلفه اصلی را دارند؟ از آزمون‌های کُرَویت بارتلت و معیار کیسر، میر و اولکین (KMO) استفاده می‌شود.

درآزمون کُرَویت بارتلت فرض صفر این است که نمونه مورد استفاده به صورت تصادفی انتخاب شده و ماتریس همبستگی به دست آمده ماتریس واحد است (عدم وجود همبستگی). در مورد معیار کیسر، میر و اولکین، همبستگی نسبی یک متغیر با مجموعه متغیرها مورد توجه قرار می‌گیرد. به‌طور کلی به منظور

بررسی وجود شرایط لازم برای انجام تجزیه مولفه‌های اصلی از شاخص کفایت نمونه استفاده می‌شود که نتایج آن در جدول (۲) آمده است. با توجه به اینکه شاخص مورد نظر (KMO) بزرگ‌تر از ۰/۶ و نتیجه آزمون کرویت بارلت در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار است. به عبارتی تعداد نمونه بسنده بوده و انجام تجزیه مولفه‌های اصلی مجاز می‌باشد.

جدول (۲) - بررسی کفایت نمونه

نوع شاخص	شاخص کفایت نمونه برداری (KMO)	کای دو	سطح معناداری
گروه اول	۰/۶۸۳	۲۲/۸۲۳	۰/۰۰۱
گروه دوم	۰/۷۱۲	۸/۵۱۱	۰/۰۳۷
گروه سوم	۰/۶۸۲	۷۳/۰۲۵	۰/۰۰۰
گروه چهارم	۰/۷۳۳	۱۶۰۶/۲۸۶	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهشگر

همان‌گونه که نتیجه چرخش واریانس در جدول (۳) نشان می‌دهد تمامی متغیرهای گروه اول، دوم، سوم و چهارم به ترتیب هر کدام در ۱ عامل اصلی دسته‌بندی گردیده است. به عبارتی کلیه متغیرهای گروه اول موثر بر گزارشگری متهورانه مالیاتی براساس وزن‌شان نسبت به واریانس کل به ۱ عامل اصلی دسته‌بندی شده‌اند. مجموع مجذور بارهای چرخش یافته هر عامل مشخص شده است. میزان واریانس تبیین شده نشان می‌دهد که تمامی متغیرهای گروه اول، دوم، سوم و چهارم که به ترتیب هر کدام در ۱ عامل اصلی خلاصه شده‌اند به ترتیب در حدود ۲۳/۶۴۴، ۲۶/۳۵۰، ۳۷/۴۵۰، ۲۸/۳۹۹ درصد واریانس کل عوامل مربوطه را تبیین نموده و آن را پوشش می‌دهند.

## ۲-۲-۴- انتخاب مؤلفه‌های مناسب با استفاده از معیارهای موجود

جدول (۳)، نشان دهنده واریانس توضیح داده شده توسط مؤلفه‌ها است. در سمت راست این جدول‌ها، اطلاعات مربوط به میزان واریانس توضیح داده شده توسط هر مؤلفه ارائه شده است. برای سهولت استفاده درصد واریانس مربوط به هر مؤلفه و هم‌چنین درصد واریانس به صورت انباشته نیز ارائه شده است. هم‌چنین در سمت چپ این جدول‌ها مؤلفه‌هایی که از بین کل مؤلفه‌ها دارای مقدار واریانس توضیح داده شده بالای هستند به عنوان مؤلفه‌های منتخب ارائه مجدد شده‌اند.

جدول (۳) - ترکیب واریانس توضیح داده شده توسط مولفه‌ها

ترکیب واریانس توضیح داده شده توسط مولفه‌ها در گروه اول						
مؤلفه	مقدیر ویژه		مؤلفه استخراج شده با معیار واریانس توضیح داده شده بزرگ تر از یک			
	واریانس توضیح داده شده توسط مؤلفه	درصد از کل واریانس توضیح داده شده	واریانس توضیح داده شده توسط مؤلفه	درصد از کل واریانس توضیح داده شده	واریانس توضیح داده شده (انباشته)	درصد از کل واریانس توضیح داده شده (انباشته)
۱	۲/۳۶۴	۲۳/۶۴۴	۲/۳۶۴	۲۳/۶۴۴	۲۳/۶۴۴	۲۳/۶۴۴
۲	۱/۷۲۶	۱۷/۲۵۸		۴۰/۹۰۲		
۳	۱/۲۲۷	۱۲/۲۷۱		۵۳/۱۷۳		
۴	۱/۱۶۷	۱۱/۶۶۶		۶۴/۸۴۰		
۵	۰/۹۸۰	۹/۷۹۷		۷۴/۶۳۷		
۶	۰/۸۸۰	۸/۷۹۷		۸۳/۴۳۴		
۷	۰/۷۸۴	۷/۸۴۰		۹۱/۲۷۵		
۸	۰/۳۷۲	۳/۷۱۹		۹۴/۹۹۴		
۹	۰/۲۸۱	۲/۸۱۴		۹۷/۷۰۸		
۱۰	۰/۲۱۹	۲/۱۹۲		۱۰۰/۰۰۰		
ترکیب واریانس توضیح داده شده توسط مولفه‌ها در گروه دوم						

مؤلفه استخراج شده با معیار واریانس توضیح داده شده بزرگ تر از یک			مقدیر ویژه			ردیف
درصد از کل واریانس توضیح داده شده (انباشته)	درصد از کل واریانس توضیح داده شده	واریانس توضیح داده شده توسط مؤلفه	درصد از کل واریانس توضیح داده شده (انباشته)	درصد از کل واریانس توضیح داده شده	واریانس توضیح داده شده توسط مؤلفه	
۲۶/۳۵۰	۲۶/۳۵۰	۱/۳۱۸	۲۶/۳۵۰	۲۶/۳۵۰	۱/۳۱۸	۱
			۴۸/۱۱۱	۲۱/۷۶۱	۱/۰۸۸	۲
			۶۸/۱۹۸	۲۰/۰۸۶	۱/۰۰۴	۳
			۸۶/۰۰۸	۱۷/۸۱۰	۰/۸۹۰	۴
			۱۰۰/۰۰۰	۱۷/۹۹۲	۰/۷۰۰	۵
ترکیب واریانس توضیح داده شده توسط مؤلفه‌ها در گروه سوم						
مؤلفه استخراج شده با معیار واریانس توضیح داده شده بزرگ تر از یک			مقدیر ویژه			ردیف
درصد از کل واریانس توضیح داده شده (انباشته)	درصد از کل واریانس توضیح داده شده	واریانس توضیح داده شده توسط مؤلفه	درصد از کل واریانس توضیح داده شده (انباشته)	درصد از کل واریانس توضیح داده شده	واریانس توضیح داده شده توسط مؤلفه	
۳۷/۴۵۳	۳۷/۴۵۳	۱/۱۲۴	۳۷/۴۵۳	۳۷/۴۵۳	۱/۱۲۴	۱
			۶۹/۹۸۴	۳۲/۵۳۱	۰/۹۷۶	۲
			۱۰۰/۰۰۰	۳۰/۰۱۶	۰/۹۰۰	۳
ترکیب واریانس توضیح داده شده توسط مؤلفه‌ها در گروه چهارم						
مؤلفه استخراج شده با معیار واریانس توضیح داده شده بزرگ تر از یک			مقدیر ویژه			ردیف
درصد از کل واریانس توضیح داده شده (انباشته)	درصد از کل واریانس توضیح داده شده	واریانس توضیح داده شده توسط مؤلفه	درصد از کل واریانس توضیح داده شده (انباشته)	درصد از کل واریانس توضیح داده شده	واریانس توضیح داده شده توسط مؤلفه	
۲۸/۳۹۹	۲۸/۳۹۹	۱/۱۳۶	۲۸/۳۹۹	۲۸/۳۹۹	۱/۱۳۶	۱
			۵۶/۱۳۶	۲۷/۷۳۷	۱/۱۰۹	۲
			۷۹/۳۶۱	۲۲/۲۲۵	۰/۹۲۹	۳
			۱۰۰/۰۰۰	۲۰/۶۳۹	۰/۸۲۶	۴
روش استخراج: تحلیل مؤلفه‌های اصلی						

منبع: یافته‌های پژوهش

### ۳-۲-۴- محاسبه ماتریس ضرائب امتیاز عناصر و شکل‌گیری فرضیه‌ها

میزان تأثیر هر متغیر در تخمین مؤلفه مربوط به آن به تفکیک گروه‌ها در جداول (۴) ارائه شده است. در این جدول تنها به ذکر نام متغیرها و ضریب آن در معادله رگرسیون اکتفا شده و اطلاعات مربوط به نام متغیرها و معادله کامل رگرسیونی در جدول (۵) ارائه شده است. همچنین معمولاً در این مرحله مؤلفه‌های نهایی نام‌گذاری می‌شوند تا درک ساده‌تری از آن‌ها برای خواننده ایجاد شود. نام‌گذاری بر اساس ماهیت متغیرهای

تشکیل دهنده مؤلفه انجام می‌شود. در نهایت با توجه به ماتریس ضرائب جدول (۵) امتیاز عناصر، مؤلفه‌های باقی‌مانده تخمین می‌خورند و در مدل‌های رگرسیونی به جای متغیرهای هم‌خط مورد استفاده قرار می‌گیرند. در نهایت با توجه به نتایج جدول (۵) فرضیه‌های زیر شکل گرفته است:

**فرضیه اول:** بین شاخص‌های مالی و گزارشگری متهورانه مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.

**فرضیه دوم:** بین شاخص‌های غیر مالی و گزارشگری متهورانه مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم: بین شاخص‌های حاکمیتی و گزارشگری متهورانه مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.  
فرضیه چهارم: بین شاخص‌های مدیریتی و گزارشگری متهورانه مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول (۴) - ماتریس ضریب امتیاز عناصر

متغیرهای گروه اول به همراه وزن مربوطه										
نام متغیر	FCF	SPREAD	CAIN	OPPORTUNITY	OPCY	SIZE	LEV	ROA	OL	MB
وزن متغیر	-۰/۰۲۰	۰/۰۲۱	-۰/۰۲۶	-۰/۲۳۰	-۰/۰۴۸	۰/۰۹۲	۰/۳۵۶	-۰/۳۷۶	۰/۲۸۶	۰/۰۸۸
متغیرهای گروه دوم به همراه وزن مربوطه										
نام متغیر	CSR	PCON	CLC	INDUSTRY	LIFE					
وزن متغیر	-۰/۴۱۷	۰/۳۶۴	-۰/۴۳۱	۰/۱۷۰	۰/۴۸۸					
متغیرهای گروه سوم به همراه وزن مربوطه										
نام متغیر	BCOMP	IS	TAXA							
وزن متغیر	۰/۴۰۸	۰/۵۷۷	-۰/۶۲۵							
متغیرهای گروه چهارم به همراه وزن مربوطه										
نام متغیر	EM	CV	OVERCON	MEFFICIENCY						
وزن متغیر	-۰/۱۹۲	-۰/۵۸۵	۰/۲۲۸	۰/۶۷۰						

منبع: یافته‌های پژوهشگر

جدول (۵) - اطلاعات مؤلفه‌های انتخاب شده نهایی

گروه	نام مؤلفه	نماد متغیر مدل نهایی	مدل نهایی (اعداد داخل مربع کد متغیر هستند)
اول	شاخص‌های مالی	انعطاف پذیری مالی (FCF)، عدم تقارن اطلاعاتی (SPREAD)، سرمایه بر بودن شرکت (CAIN)، فرصت رشد شرکت (OPPORTUNITY)، چرخه عملیاتی شرکت (OPCY)، اندازه شرکت (SIZE)، اهرم مالی (LEV)، نرخ بازده دارایی‌ها (ROA) اهرم عملیاتی (OL) و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری (MB)	$FIN = -0/020 FCF + 0/021 SPREAD - 0/026 CAIN - 0/230 OPPORTUNITY - 0/048 OPCY + 0/092 SIZE + 0/356 LEV - 0/376 ROA + 0/286 OL + 0/088 MB$
دوم	شاخص‌های غیرمالی	مسئولیت اجتماعی شرکت (CSR)، ارتباطات سیاسی (PCON)، چرخه عمر شرکت (CLC)، نوع صنعت (INDUSTRY) و عمر شرکت (LIFE)	$NFAIN = -0/417 CSR + 0/364 PCON - 0/431 CLC + 0/170 INDUSTRY + 0/488 LIFE$
سوم	شاخص‌های حاکمیتی	ترکیب هیأت مدیره (BCOMP)، ملکیت نهادی (IS) و حسابرسی مالیاتی (TAXA)	$GIN = 0/408 BCOMP + 0/577 IS - 0/625 TAXA$
چهارم	شاخص‌های مدیریتی	مدیریت سود (EM)، پاداش مدیران (CV) و (FDA) بیش اعتمادی مدیران (OVERCON) و کارایی مدیران (MEFFICIENCY)	$MIN = -0/192 EM - 0/588 CV + 0/228 OVERCON + 0/670 MEFFICIENCY$

منبع: یافته‌های پژوهشگر

#### ۴-۲-۴ - طراحی مدل رگرسیونی، برازش مدل و آزمون شاخص‌ها

جدول (۶) نتیجه آزمون مدل پژوهش را نشان می‌دهد. سطح معناداری آزمون نسبت راست‌نمایی LR (۰/۰۰۰) کمتر از سطح خطای مورد پذیرش (۵ درصد) است، علاوه بر این سطح معناداری آزمون‌های هاسمر-لمشو (H-L) (۰/۴۱۳) و اندروز (۰/۶۰۶) بیشتر از سطح خطای مورد پذیرش (۵ درصد) است. بنابراین می‌توان گفت شاخص نکویی برازش مدل معنادار است. با استفاده از ضریب تعیین ساختگی مک فادن (MF) می‌توان

بیان کرد، در رگرسیون فوق ۳۱٪ از تغییرات متغیر وابسته به وسیله مدل فوق توضیح داده می‌شود. در واقع مدل رگرسیونی قادر است ۳۱٪ از کل تغییرات را توضیح دهد. نتایج آزمون درصد صحت پیش بینی مشاهدات متغیر وابسته در سه حالت (Y=0)، (Y=1) و در کل) به ترتیب برابر با ۰/۷۹، ۰/۴۸ و ۰/۶۷ است. هرچه این مقادیر به ۰/۱۰۰ نزدیک تر باشد، توان تبیین مدل بالاتر خواهد بود.

با توجه به نتایج جدول (۶) آماره والد (Z) و سطح معناداری شاخص‌های مالی (آماره Z کوچک‌تر از ۱/۹۶۵ و سطح معناداری

در نهایت یافته‌ها بیانگر رابطه معناداری بین شاخص‌های مدیریتی و گزارشگری متهورانه مالیاتی وجود است. بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت شاخص‌های مدیریتی با گزارشگری مالیاتی متهورانه رابطه معناداری دارند. بنابراین فرضیه چهارم پژوهش تایید می‌گردد.

نتایج جدول (۶) بیانگر این است با توجه به ضرایب مدل رگرسیونی به ترتیب شاخص‌های حاکمیتی، شاخص‌های مدیریتی و شاخص‌های غیر مالی با ضرایب ۰/۸۵۳، ۰/۲۳۱ و ۰/۲۰۸ بیشترین تاثیر را بر گزارشگری متهورانه مالیاتی داشته‌اند.

بزرگ‌تر از ۰/۰۵) رابطه معناداری بین شاخص‌های مالی شرکت و گزارشگری متهورانه مالیاتی وجود ندارد. بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت شاخص‌های مالی شرکت با گزارشگری مالیاتی متهورانه رابطه معناداری ندارند، بنابراین فرضیه اول پژوهش تایید نمی‌گردد.

همچنین نتایج بیانگر رابطه معناداری بین شاخص‌های غیر مالی و حاکمیتی شرکت با گزارشگری متهورانه مالیاتی است. بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت شاخص‌های غیر مالی و حاکمیتی شرکت با گزارشگری مالیاتی متهورانه رابطه منفی (معکوس) معناداری دارند. بنابراین فرضیه دوم و سوم پژوهش تایید می‌گردند.

جدول (۶) - برآورد مدل رگرسیون

$BTD_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 FIN_{i,t} + \beta_2 NFIN_{i,t} + \beta_3 GIN_{i,t} + \beta_4 MIN + \epsilon_{i,t}$				
متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره Z	معناداری
ضریب ثابت ( $\beta_0$ )	-۰/۴۴۷	۰/۰۸۱	-۵/۴۹۷	۰/۰۰۰
شاخص مالی (FIN)	-۰/۰۲۸	۰/۰۷۵	-۰/۳۷۹	۰/۷۰۴
شاخص غیر مالی (NFIN)	-۰/۲۰۱	۰/۰۷۹	-۲/۵۳۵	۰/۰۱۱
شاخص حاکمیتی (GIN)	۰/۸۴۶	۰/۰۸۹	۹/۴۱۴	۰/۰۰۰
شاخص مدیریتی (MIN)	۰/۲۲۲	۰/۰۸۴	۲/۶۴۱	۰/۰۰۸
ضریب مک فادن (MF)				
۰/۳۱				
آماره LR (سطح معناداری)				
۱۱۷/۴۵۴ (۰/۰۰۰)				
آماره H-L (سطح معناداری)				
۸/۲۰۳ (۰/۴۱۳)				
آماره آندروز (سطح معناداری)				
۸/۲۲۶ (۰/۱۶۰۶)				
درصد صحت پیش بینی مشاهدات صفر و یک متغیر وابسته				
درصد صحت پیش بینی مشاهدات ( $Y=0$ )	۰/۷۹	درصد صحت پیش بینی مشاهدات ( $Y=1$ )	۰/۴۸	درصد صحت پیش بینی مشاهدات کلی مدل
				۰/۶۷

مأخذ: یافته‌های پژوهشگر

### نتیجه گیری و پیشنهادات

بر اساس اهداف پژوهش، مطالعه تحقیقات پیشین و مبانی نظری عوامل موثر بر گزارشگری متهورانه مالیاتی شناسایی گردید، از آنجایی که این عوامل شامل ۲۲ متغیر بوده که بکارگیری هم‌زمان آنها در یک مدل رگرسیونی موجب مشکل هم‌خطی، کاهش درجه آزادی و کاهش دقت و تبیین مدل می‌گردد، لذا بر اساس مبانی نظری و با استفاده از روش تحلیل مولفه‌های اصلی آنها را شاخص‌بندی نموده و فرضیه‌ها بر اساس آن شکل گرفته است.

با توجه به عنوان تحقیق حاضر که ارائه یک مدل بومی با اقتباس از تحقیقات خارجی برای بررسی و اولویت‌بندی عوامل موثر بر گزارشگری متهورانه مالیاتی می‌باشد لذا محقق وظیفه خود دانست تا در قسمت یافته‌های پژوهش با توجه به تاثیر پذیری و عدم تاثیر پذیری متغیرها، در جدول (۶) مدل نهایی تحقیق خود را ارائه نماید. مدل نهایی تحقیق به صورت زیر خواهد بود:

$$BTD_{i,t} = -0/448 - 0/208 NFIN_{i,t} + 0/853 GIN_{i,t} + 0/231 MIN + \epsilon_{i,t}$$

همکاران(۱۳۹۹)، حیدری و همکاران(۱۳۹۷)، مشایخ و محمودیان(۱۳۹۶) و مشایخی و علی پناه (۱۳۹۴) و مغایر با یافته‌های مالیدا و انوار(۲۰۱۵)، عسگری و عظیمی(۱۳۹۷) و دستگیر و طبوسیان (۱۳۹۶) است. بنابراین اگر عوامل حاکمیت شرکتی که مبانی نظری آن اذعان به رعایت حقوق کلیه ذی‌نفعان دارد، در شرکت وجود داشته باشد انتظار می‌رود در چنین شرکت‌های گزارشگری متهورانه مالیاتی کاهش و مالیات‌برآزی منطبق بر مالیات تشخیصی باشد. اما نتایج پژوهش بیانگر رابطه مثبت بین فعالیت‌های حاکمیت شرکتی با گزارشگری متهورانه مالیاتی است. این نتایج از طرفی مطابق با تئوری ارزش آفرینی دسای و دارماپالا بوده و چنین استنباط می‌شود، شرکت‌های با حاکمیت شرکتی قوی که مالکیت آن در اختیار یک یا چند گروه از سهام‌داران عمده، نظیر سهامداران نهادی، موسسین و دولت است، از طریق گزارشگری متهورانه مالیاتی موجبات کاهش انتقال ثروت از شرکت به دولت را فراهم می‌نمایند، تا در نتیجه آن هزینه مالیات کاهش و سود پس از کسر مالیات شرکت بالا رفته، ثروت سهامداران افزایش یافته، بازار سهام رونق و در نهایت موجب ارزش‌آفرینی برای شرکت گردد. در واقع فعالان بازار سرمایه نسبت به این فعالیت‌ها دیدی مثبت داشته و به صورت افزایش قیمت بازار سهام نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند. از طرف دیگر این نتایج مطابق با فرضیه نظارت فعال بر کار مدیران جهت جلوگیری از هزینه‌های نمایندگی بوده که بر اساس آن در شرکت‌های که گزارشگری متهورانه مالیاتی در حال افزایش است می‌توان از طریق بالا بردن شفافیت در گزارشگری مالی و کنترل و نظارت مستمر از طریق هیئت مدیره بر فعالیت‌های مدیران، موجب محدود نمودن فعالیت‌های فرصت‌طلبانه مدیران را از طریق گزارشگری متهورانه مالیاتی فراهم می‌نماید. از طرف دیگر به موجب ماده ۲۷۲ قانون مالیات‌های مستقیم، اداره امور مالیاتی موظف است گزارش حسابرسی مالیاتی را بدون رسیدگی قبول و مطابق مقررات برگ تشخیص مالیات صادر نماید، به عبارتی دیگر شرکت‌ها می‌توانند با استفاده از خدمات حسابرسان مالیاتی به نحوی دست به مدیریت مالیات بزنند.

نتیجه آزمون رابطه‌ی شاخص‌های مدیریتی (بیش‌اعتمادی مدیران، پاداش مدیران، مدیریت سود و کارایی مدیران) با گزارشگری متهورانه مالیاتی نشان داد، شاخص‌های مدیریتی با گزارشگری متهورانه مالیاتی دارای رابطه‌ی مثبت معناداری هستند. این یافته منطبق بر یافته‌های محققانی چون ایشیگورو و یامادا (۲۰۲۱)، تاین و همکاران (۲۰۱۸)، توماس و براندوم (۲۰۱۷)، مگیبم و همکاران (۲۰۱۷)، آرمسترانگ و همکاران (۲۰۱۶)، کاستر و همکاران (۲۰۱۶)، بلوری و همکاران (۱۴۰۰)،

نتیجه آزمون رابطه‌ی شاخص‌های مالی با گزارشگری متهورانه مالیاتی نشان داد، شاخص‌های مالی با گزارشگری متهورانه مالیاتی رابطه‌ی معناداری ندارند. از آنجایی که بر اساس بررسی‌های به عمل آمده توسط پژوهشگر تاکنون تحقیق مشابه‌ای در داخل و خارج از کشور در خصوص تاثیر شاخص‌های مالی به طور کلی بر گزارشگری متهورانه مالیاتی انجام نشده لذا نتایج این فرضیه به دلیل کثرت متغیرهای مالی قابل تشریح نمی‌باشد.

نتیجه آزمون رابطه‌ی شاخص‌های غیر مالی با گزارشگری متهورانه مالیاتی نشان داد، شاخص‌های غیر مالی (مسئولیت اجتماعی شرکت، ارتباطات سیاسی، چرخه عمر شرکت، نوع صنعت و عمر شرکت) با گزارشگری متهورانه مالیاتی دارای رابطه‌ی منفی معناداری هستند. این یافته منطبق بر یافته‌های محققانی چون تسای و همکاران (۲۰۲۱)، اسواری و همکاران (۲۰۱۹)، گلزار و همکاران (۲۰۱۸)، آسیان و یوچی (۲۰۱۸)، رضایی و همکاران (۱۴۰۰)، مولایی ایل ذوله و همکاران (۱۳۹۹)، برزگر و خلیلی (۱۳۹۸)، ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۶)، حجازی و همکاران (۱۳۹۴) و مغایر با یافته‌های، پارسا و همکاران (۱۳۹۹)، ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۶) و ژانگ (۲۰۱۶) است. بنابراین می‌توان اظهار داشت، نتایج مطابق با دیدگاه گسترده تئوری ذینفعان بوده، لذا از یک طرف شرکت ملاحظاتی اخلاقی و منافع سایر ذی‌نفعان را مورد توجه قرار داده و نسبت به قانون مالیات تمکین می‌نماید، از طرف دیگر می‌تواند با رفتار تمکین مالیاتی، مشروعیت و اعتبار مناسبی در جامعه به دست آورده، عملکرد مالی و ارزش خود را افزایش، هزینه‌های تامین مالی و ریسک خود را کاهش و بقای خود را توأم با موفقیت و اقتدار مالیاتی حفظ نماید. از آنجایی که اکثر شرکت‌های ایرانی دولتی یا وابسته به دولت می‌باشند چنین شرکت‌های به دلیل حمایت از برنامه‌های دولت، شفاف‌سازی، پاسخ‌گویی عمومی به مردم و نظارت و کنترل توسط دولت کمتر به گزارشگری متهورانه مالیاتی می‌پردازند. همچنین اکثر شرکت‌های ایرانی در دوران بلوغ به سر برده و دارای سابقه و تجربه کافی بوده لذا به دلیل نیاز کمتر به نگهداری وجه نقد و آگاهی از جرایم مالیاتی، به خطر افتادن اعتبار و حسن شهرت شرکت و هزینه‌های حقوقی و سیاسی در برابر مقامات مالیاتی کمتر به گزارشگری متهورانه مالیاتی می‌پردازند.

نتیجه آزمون رابطه‌ی شاخص‌های حاکمیتی (ترکیب هیأت مدیره، ملکیت نهادی و حسابرسی مالیاتی) با گزارشگری متهورانه مالیاتی نشان داد، شاخص‌های حاکمیتی با گزارشگری متهورانه مالیاتی دارای رابطه‌ی مثبت معناداری هستند. این یافته منطبق بر یافته‌های محققانی چون مظفر و همکاران (۲۰۱۷)، مک گوایر و همکاران (۲۰۱۲)، عباس زاده و

مهم‌ترین پیشنهادهای کاربردی این پژوهش را می‌توان به شکل زیر ارائه نمود:

- ۱) جهت کاهش و حذف شکاف بین مالیات ابرازی و تشخیصی به سازمان امور مالیاتی و حسابرسی، پیشنهاد می‌شود قوانین و استانداردهای خود را همگام‌تر و منطبق با یکدیگر ارائه نمایند.
- ۲) به حساب‌برسان پیشنهاد می‌شود، هنگام مشاهده اختلاف مالیات دفتری زیاد احتمال وجود دستکاری سود رو به بالا را جهت ارزیابی ریسک مد نظر قرار دهند.
- ۳) به استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی پیشنهاد می‌شود در ارزیابی عملکرد شرکت‌های با کیفیت سود پایین، از مالیات قطعی به عنوان یکی از معیارهای ارزیابی عملکرد شرکت‌ها استفاده نمایند.
- ۴) به دلیل دور شدن حاکمیت شرکتی از رسالت اصلی خویش (رعایت حقوق کلیه ذینفعان) به سازمان بورس اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود، بازنگری اساسی در جهت رفع نارسایی‌های آیین نامه راهبری شرکتی انجام گردد.
- ۵) به سازمان بورس اوراق بهادار و کمیته تدوین استانداردها پیشنهاد می‌شود استانداردهای لازم در خصوص مسئولیت اجتماعی شرکت تدوین، و گزارش عملکرد مسئولیت اجتماعی شرکت، همراه با صورت‌های مالی افشا شود.
- ۶) به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود به دلیل شفافیت و تقارن اطلاعاتی بالای شرکت‌های که به مسئولیت اجتماعی و افشای فعالیت‌های مربوطه مشغولند، در این گونه شرکت‌ها سرمایه‌گذاری نمایند.

#### فهرست منابع

- \* آقای، محمدعلی، حسنی، حسن، باقری، حسن (۱۳۹۷) نقش توانایی مدیریتی در اجتناب مالیاتی شرکت، مطالعات تجربی حسابداری مالی، شماره ۵۷، صص ۲۴ - ۴۷.
- \* ابراهیمی، سید کاظم، بهرامی نسب، علی، حسن زاده، مهدی (۱۳۹۶) واکاوی کیفیت گزارشگری مالی و اجتناب مالیاتی در پرتو مالکیت دولتی و ارتباطات سیاسی، فصلنامه مدیریت سازمان‌های دولتی، دوره ۵، شماره ۲، صفحه ۶۱ - ۷۶.
- \* احمدی لویه، افشین، نیکومرام، هاشم، بنی مهد، بهمن (۱۴۰۰) حق انتخاب حسابرس و اجتناب مالیاتی بر اساس نظریه انتخاب گلاسر، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، سال دهم، شماره ۳۸، ۱ - ۱۶.

عباس زاده و همکاران (۱۳۹۹)، مولایی ایل ذوله همکاران (۱۳۹۹)، خواجهی و همکاران (۱۳۹۷)، منصورفر و همکاران (۱۳۹۷) و آقای و همکاران (۱۳۹۷) و مغایر با یافته‌های هیرانتی و همکاران (۲۰۲۱)، لی و یون (۲۰۲۰)، پارک (۲۰۱۷) و کاویانی‌فرد و همکاران (۱۳۹۹) است. نتایج از یک سو مطابق نظریه سلسله مراتب بالاتر همبرینگ و مپسون (۱۹۸۴) است که بیان می‌کند ویژگی‌های شخصیتی مدیران بر سبک تصمیم‌گیری آن‌ها تاثیر گذار است. بیش اعتمادی مدیران سبب تخمین بیش از حد بازده خالص ارزش فعلی جریان‌های نقدی ناشی از پروژه‌های سرمایه‌گذاری می‌شود، که این امر موجب سرمایه‌گذاری بیش از حد، افزایش هزینه‌های مالی، هزینه استهلاک و هزینه‌های عملیاتی می‌شود. افزایش در هزینه‌ها در نهایت منجر به کاهش مالیات و گزارشگری متهوران مالیاتی می‌شود. از سوی دیگر از سوی دیگر نتایج مطابق با تئوری نمایندگی و فرضیه پاداش مدیران است که اظهار می‌دارد، جدایی مالکیت از مدیریت ممکن است باعث بروز تضاد منافع بین مدیران و سهامداران شود. تضاد منافع می‌تواند ناشی از کمبود انگیزه مدیران برای حداکثر کردن ثروت سهامدار باشد، برای حل این مسأله و کاهش هزینه‌های نمایندگی باید از راه‌کارهای انگیزشی برای مدیران استفاده گردد. یکی از این راه‌کارها، طرح سهام کردن مدیران در مالکیت شرکت (پاداش‌های نقدی و مالکانه (پرداخت مبتنی بر سهم و حق اختیار)) می‌باشد. بنابراین پاداش مدیران باعث ایجاد توازن بین منافع مدیران و سهامداران می‌شود. از آنجایی که مسئولیت تهیه صورت‌های مالی با مدیران است و سود سال جاری بر پاداش پرداخت شده به هیأت مدیره تاثیرگذار می‌باشد، لذا بر اساس فرضیه صرفه‌جویی مالیاتی مدیران جهت دریافت پاداش بیشتر، از طریق دست‌کاری ارقام تعهدی اختیاری و گزارشگری مالیاتی متهوران، هزینه‌ها، خصوصاً هزینه مالیات را کاهش دهند تا سود بعد از کسر مالیات افزایش و در نهایت پاداش بیشتری بدست آورند. از سوی دیگر شرکت‌ها در پی هرگونه کاهش در نرخ مالیات بر درآمد، خواهان انتقال سود به دوره‌های هستند که در آن دوره‌ها نرخ مالیات بر درآمد کاهش می‌آید، یعنی با اعلام کاهش نرخ مالیات بر درآمد شرکت، سودهای خود را در سال‌های با نرخ مالیات بالا، به سال‌های با نرخ پایین انتقال دهند. علاوه بر این، مدیران توانمند بیشتر از سایر مدیران درگیر تهور مالیاتی هستند. آنها از طرفی بهتر می‌توانند تصمیمات تجاری خود را با استراتژی‌های مالیاتی تطبیق دهند. از سوی دیگر در بحث کارایی عملیات به جای کاهش هزینه‌های مثل دستمزد، از صرفه‌جویی مالیاتی استفاده می‌کنند و از این صرفه‌جویی به عنوان یک منبع تامین مالی برای پیاده سازی استراتژی‌های خود بهره‌برند.

- \* اعتمادی، حسین، سپاسی، سحر، ساری، محمد علی (۱۳۹۵) چارچوب مفهومی طرح‌ریزی مالیات شرکتی، پژوهش حسابداری، شماره ۲۰، صص ۶۱-۷۹.
- \* امید پور، رضا، پژویان، جمشید (۱۳۹۶) فرار مالیاتی در پایه مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی در ایران، فصلنامه اقتصاد مالی، سال یازده، شماره ۳۹، صص ۲۷-۵۶.
- \* ایزدی‌نیا، ناصر، سعادت‌نیا، علی، حاجیان، امین (۱۳۹۹) تأثیر ارزش انعطاف‌پذیری مالی بر سیاست‌های تقسیم سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دوره ۱۲، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۹، صص ۱۰۱-۱۱۲.
- \* برزگر، قدرت‌اله، خلیلی، مرضیه (۱۳۹۸) بررسی رابطه بین چرخه عمر شرکت و اجتناب مالیاتی با رویکرد مقایسه‌ای صنایع، فصلنامه چشم‌انداز حسابداری و مدیریت، دوره ۲، شماره ۳، صص ۱۵۰-۱۶۷.
- \* بلوری، امین، مرادی، محمد، یزدانی، حمیدرضا (۱۴۰۰) طراحی مدل تفسیر ساختاری عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی اشخاص حقوقی، پژوهشنامه مالیات، شماره ۴۹، صص ۸۵-۱۱۶.
- \* بنی‌مهد، بهمن، عربی، مهدی، حسن‌پور، شیوا (۱۳۹۷)، پژوهش‌های تجربی و روش‌شناسی در حسابداری، چاپ پنجم، تهران: انتشارات ترمه.
- \* پارسا، امیدعلی، مهرکام، مهرداد، حصنی مقدم فاطمه (۱۳۹۹) تأثیر تحریم‌های اقتصادی و ارتباطات سیاسی بر درآمدها و شکاف مالیاتی: آزمون تئوری اقتصاد سیاسی، پژوهشنامه مالیات، شماره ۴۸، صص ۸۳-۱۰۸.
- \* پورحیدری، امید، سروسستانی، امیر (۱۳۹۲) شناسایی و تبیین عوامل مؤثر بر مدیریت مالیات، دانش حسابداری، سال چهارم، شماره ۱۲، صص ۸۹-۱۱۰.
- \* حیدری، مهدی، دیدار، حمزه، طاهریان، سکینه (۱۳۹۷) بررسی نقش تعدیلگر استقلال هیئت مدیره بر رابطه بین ساختار مالکیت با شکاف مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش‌های تجربی حسابداری، سال هفتم، شماره ۲۸، صص ۱۱۷-۱۲۴.
- \* خانی، عبدالله، سلطانی اسفندی، علیرضا (۱۳۹۲) گزارشگری مالی متهورانه و رابطه آن با گزارشگری مالیاتی متهورانه، مجله اقتصادی، دوره ۵، شماره ۶، صص ۵-۱۶.
- \* خواجوی، شکراله، قدیریان‌آرانی، محمدحسین (۱۳۹۷) توانایی مدیران، عملکرد مالی و خطر ورشکستگی، مجله دانش حسابداری، دوره نهم، شماره ۱، صص ۳۵-۶۱.
- \* دستگیر، محسن، طباطباییان، علیرضا (۱۳۹۶). بررسی تأثیر ویژگی‌های نظام راهبری شرکتی بر مدیریت سود و مدیریت
- مالیاتی، مجله بررسی‌های حسابداری، دوره ۴، شماره ۴، صص ۹۶-۷۷.
- \* رضائی پیتته نوئی، یاسر، غلام‌رضاپور، محمد، کاظمی، سید پوریا، امیرنیا، نرجس (۱۴۰۰) بررسی نقش تعدیلی مالکیت خانوادگی بر رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اجتناب مالیاتی، پژوهش‌های حسابداری مالی، سال سیزدهم، شماره اول، صص ۴۵-۶۶.
- \* طایفه، سیامک، دستگیر، محسن، رضایی، فرزین، احمدی، سید علی (۱۳۹۸) رتبه بندی عوامل مؤثر بر اجتناب مالیاتی شرکتی، دو فصلنامه حسابداری ارزشی رفتاری، سال چهارم، شماره ۷، صص ۳۰۹-۳۴۱.
- \* عباس زاده، محمدرضا، مفتونیان، محسن، فدایی، مرتضی، بابائی کلاریجانی، مائده (۱۳۹۹) بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی و بیش اطمینانی مدیریت بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها در مراحل چرخه عمر، پژوهش‌های تجربی حسابداری، دوره ۱۰، شماره ۴، صص ۴۹-۸۱.
- \* عسگری، محمدرضا، عظیمی، نرگس (۱۳۹۷) رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی، پاداش هیئت مدیره و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه مطالعات مدیریت و حسابداری، دوره ۴، شماره ۱، صص ۱۱۳-۱۳۱.
- \* کاشانی‌پور، محمد، فرجی، امید، برجی، پریسا (۱۳۹۸) ارتباط سیاسی، راهبری شرکتی و تهور مالیاتی، مجله دانش حسابداری، دوره دهم، شماره ۴، صص ۱۴۳-۱۷۵.
- \* کویانی‌فرد، هاشم، خواجوی، شکراله، عوض‌زاده، فریبرز (۱۳۹۹) تأثیر مؤلفه‌های قدرت مدیرعامل بر سیاست‌های کاهش مالیات، پژوهش‌های حسابداری مالی، سال دوازدهم، شماره دوم، صص ۴۷-۷۰.
- \* کرمی، غلامرضا، شهبانی، علیرضا (۱۳۹۵) مدل سیاست مالیاتی با تأکید بر ارزش‌های فرهنگی، تحقیقات مالی، دوره ۱۸، شماره ۳، صص ۵۴۱-۵۶۴.
- \* مشایخی، بیتا، علی‌پناه، صبری (۱۳۹۴) تأثیر راهبری شرکتی بر رابطه‌ی بین اجتناب از مالیات و ارزش شرکت، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، شماره ۲۵، صص ۴۹-۶۴.
- \* مشایخ، شهناز، محمودیان، نسیم (۱۳۹۶) بررسی تأثیر پاداش هیئت مدیره و مدیرعامل، حاکمیت شرکتی و ویژگی‌های شرکت بر روی مدیریت مالیاتی. پژوهش‌های نوین در حسابداری و حسابرسی، دوره ۱، شماره ۲، صص ۹-۳۶.
- \* مولایی ایل‌دوله، علی، نوره زاده، نوروز، جعفری، سیده‌محبوبه، دارابی، رویا (۱۳۹۹) بررسی رابطه مسئولیت اجتماعی شرکت و



- \* Koester, A, Shevlin, T, Wangerin, D (2016) The role of managerial ability in corporate tax avoidance. [http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract\\_id=2753152](http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=2753152).
- \* Lee, K, Yoon, S (2020) Managerial Ability and Tax Planning: Trade-Off between Tax and Nontax Costs, Sustainability, MDPI, Open Access Journal, vol. 12(1), 1-13.
- \* Lee, W, Wang, L (2016) "Do political connections affect stock price crash risk? Firm-level evidence from China". *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 1-34.
- \* Ling, L, Zhou, X, Liang, Q, Song, P, Zeng, H (2018), Political connections, overinvestments and firm performance: Evidence from Chinese listed real estate firms, *Finance Research Letters*, pp 1-6.
- \* Liu, M (2019) Real and accrual-based earnings management in the pre-and post-engagement partner signature requirement periods in the United Kingdom. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 1-29.
- \* McGuire, T, Thomas, C, Wang, D (2012) "Tax Avoidance: Does Tax-Specific Industry Expertise Make a Difference?" *The Accounting Review*, 87 (3): 975-1003.
- \* Mgbame, C, Chijoke, M, Yekini, S, Yekini, C (2017) Corporate social responsibility performance and tax aggressiveness. *Journal of Accounting and Taxation*. Vol. 9(8), pp. 101-108.
- \* Mulyadi, M, Anwar, Y (2015) "Corporate Governance, Earnings Management And Tax". *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 177: 363-366.
- \* Park, J, Ko, C, Jung, H, Lee, S (2017) Managerial ability and tax avoidance: Evidence from Korea. *Asia-Pacific Journal of Accounting & Economics*, 23(4), 1-29.
- \* Rania, S, Susetyob, D, Fuadah, L (2018) The Effects of the Corporate's Characteristics on Tax Avoidance Moderated by Earnings Management (Indonesian Evidence), *Journal of Accounting, Finance and Auditing Studies* 4/3 (2018) 149-169.
- \* Seraina, C (2016) "The Effect of Financial Leverage on Real and Accrual-Based Earnings Management", *Accounting and Business Research*, vol 31.
- \* Tian, L, Han, L, Zhang, S (2015). "Business Life Cycle and Capital Structure: Evidence from Chinese Manufacturing Firms". *China & World Economy*, 23 (2): 22-39.
- \* Thomas, R, Brandon, G (2017) Overconfidence, CEO Awards, and Corporate Tax Aggressiveness. *Journal of Business Finance & Accounting*, Volume 44, Issue 5-6 Pages 728-754.
- \* Tsai, P, Liu, Y, Liu, W, (2021) Collusion, political connection, and tax avoidance in China, *Journal of Corporate Accounting & Finance*, 74(3), 417-441.
- \* Wang, Y, Ji, Y, Chen, X, Song, C (2014) Inflation, operating cycle, and cash holdings. *China Journal of Accounting Research*, 7(4): 263-276.
- \* Wang, Zh. Chen, M. H. Chin, CH. Zhang, Q (2017) Managerial ability, political connections, and fraudulent financial reporting in China, *Journal of Accounting and Public Policy*, 36 (2): 162-141.
- پاداش مدیران با گزارشگری متهوران مالیاتی، مجله اقتصاد مالی، دوره ۱۴، شماره ۵۲، صص ۱۰۱-۱۲۸.
- \* منصورفر، غلامرضا، غیور، فرزاد، عباسی مولان، بهزاد (۱۳۹۷) رابطه بین مالیات جسورانه و اهرم مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهشنامه مالیات، جلد ۲۶، شماره ۳۷، صص ۱۷۳-۱۹۷.
- \* نیکومرام، هاشم، بنی مهد، بهمن، رهنمای‌رودپشتی، فریدون، کیانی، علی (۱۳۹۲) اقتصاد مبتنی بر روابط، روابط سیاسی و کیفیت ارقام تعهدی، دانش حسابرسی، دوره ۱۸، شماره ۵۰، صص ۴۱-۵۵.
- \* Armstrong, C, Blouin, J, Larcker, D (2016) The Incentives for Tax Planning. *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 53, No. 1-2, PP. 391-411.
- \* Asian, A, Uche, T (2018) Corporate Tax and Corporate Social Responsibility of Firms in Nigeria. *Research Journal of Finance and Accounting*, Vol. 9, No. 10, PP. 121-142.
- \* Aswadi, E, Ariff, A, M, Marzuki, M, M, Sanusi, Z, M, (2017) Political connections, corporate governance, and tax aggressiveness in Malaysia, *Asian Review of Accounting*, Vol. 25 No. 3, 424-451.
- \* Bergh, D, Ketchen, J, Orlandi, I, Heugens, P, Boyd, B (2019). Information asymmetry in management research: Past accomplishments and future opportunities. *Journal of Management*, 45(1), 122-158.
- \* Chen, T, Lee, C (2017) Does Information Asymmetry Affect Corporate Tax Aggressiveness?. *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, 52(5), 2053-2081.
- \* Drake, K (2015) Does ifrm life cycle explain the relation between book-tax differences and earnings persistence? Working Paper
- \* Fama, E, Jensen, M (1983) Agency Problems and Residual Claims, *Journal of Law and Economics*, 26 (2): 327-349.
- \* Gulzar, M, Jacob, C, Muhammad, S, Alina, B, Phung A, Daniel, B, Nguyen, V (2018) Does Corporate Social Responsibility Influence Corporate Tax Avoidance of Chinese Listed Companies?. [www.mdpi.com/journal/sustainability](http://www.mdpi.com/journal/sustainability).
- \* Hanlon, M, Heitzman, S (2010) A review of tax research. *Journal of Accounting and Economics*, 50 (2-3): 127-178.
- \* Herianti, E, Suryani, A, Marundha, A (2021) Managerial ability and future banking performance: the role of book-tax differences as moderator, *Journal of Accounting and Investment*, Vol 22, No 1, PP 173-191.
- \* Ishiguro, T, Yamada, A (2021) Overconfident CEOs, decentralisation, and tax aggressiveness: evidence from Japan, *International Journal of Economics and Accounting*, 2021 Vol.10 No.2, pp.181 - 203
- \* Kim, B, Jung, K (2016) The Influence of Tax Costs on Accounting Conservatism, Working Paper Working Paper, Korea Advanced Institute of Science and Technology.
- \* Kim, K, Limpaphayom, P (1998) "Taxes and Firm Size in Pacific- Basin Emerging Economies". *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 7 (1): 47-63.



*Accounting Knowledge & Management Auditing*

*Vol. 12/ No. 48/ Winter 2024*

## **Modeling for Identifying and Prioritizing the Factors Affecting the tax reporting aggressiveness Using principal component analysis method in the Iranian Capital Market**

**Ali Molaiy Eal Zoleh**

Ph.D. Student in Accounting, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran & Faculty Member of Accounting, Payame Noor University: molaiyali@gmail.com

**Seyyedeh Mahboubeh Jafari\***

Assistant Professor, Faculty of Accounting, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran,  
Corresponding Author:  
jafari.mahboubeh@gmail.com

**Norooz Norouleh Zadeh**

Assistant Professor, Faculty of Accounting, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran:  
norozn57@gmail.com

**Roya Darabi**

Associate Professor of Accounting, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran: royadarabi110@yahoo.com

### **Abstract**

Tax is considered as the main tool for earning income for governments to achieve their economic and social goals. On the other hand, tax expenditures lead to the withdrawal of liquidity from companies and reduce stockholders' dividend, so corporate executives try to reduce or postpone their income tax. The purpose of this study is to Modeling for Identifying Effective Factors Affecting Tax Reporting Aggressiveness in Iran capital market. In this study, effective factors on tax reporting aggressiveness based on empirical studies, theoretical foundations and principal component analysis (PCA) method are divided into four financial, non-financial, governance and managerial indicators. In order to test the research hypotheses, 75 companies listed in Tehran Stock Exchange during 2008-2017 were surveyed. Since the dependent variable is a virtual variable, logistic regression and correlation methods have been used to estimate the model. The results show that financial indicators have no significant relationship with tax reporting aggressiveness, but non-financial, governance and management indices have significant relationship with tax reporting aggressiveness. Other findings indicate that sovereign, managerial, non-financial and financial indices have the most impact on tax reporting aggressiveness, respectively. Other findings indicate that governmental, managerial, non-financial and financial indices have the most impact on bold tax reporting, respectively.

**Keywords:** tax reporting aggressiveness, principal component analysis, logistic regression